

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سرمدیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۱۳۵/۱۰۹ رده بندی کنگره: د ۵۱۳/۲

تحلیل و واکاوی مسئولیت حقوقی ناشی از دستکاری ژنتیکی نامطلوب

فاطمه میرزایی چهارراهی^۱

فاطمه رسولی نژاد

چکیده

برای روشن ساختن حدود مسئولیت کیفری پژوهشگران و حقوق سوژه های انسانی در آزمایش های ژنتیکی و روش های درمانی جدید مانند ژن درمانی، باید قوانین جزایی ایران را مطالعه نمود. متأسفانه حقوق ایران، همگام با تحولات دانش پزشکی و پیشرفت های آن، تغییر نکرده است و تنها موادی از قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و موادخوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات آنها، باید پاسخگویی چالش های نوین باشد. مفهوم مجرم بستگی به مفهوم جرم دارد، به عبارت دیگر، مجرم بودن مستلزم ارتکاب جرم یعنی فعل یا ترک فعلی است که در قانون جرم دانسته شده و برای آن مجازات مقرر شده است. برای تحقق جرم، باید اعمال مادی تشکیل دهنده آن عنصر مادی، توسط موجودی دارای ادراک و اراده ارتکاب یابد. ارتکاب جرم در شرایط عادی موجب مسئولیت کیفری است، مگر اینکه مجرم به دلایلی نتواند بار مسئولیت را تحمل کند (علل رافع مسئولیت کیفری) و یا قانونگذار به دلایلی فعل یا ترک فعلی را که عنوان مجرمانه دارد، مجازات نمی کند (علل توجیه کننده جرم).

واژگان کلیدی: ژنتیک، علم ژنتیکی، مسئولیت مدنی، جبران خسارت، مسئولیت

کیفری

بخش اول: کلیات

قانونگذار قبل از انقلاب ایران در ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی، رضایت مجنی علیه را توجیه کننده جرم دانسته است و بیان می دارد که اعمال زیر جرم محسوب نمی شوند:

- هر نوع عمل جراحی طبی که ضرورت داشته باشد و با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی انجام شود، اخذ رضایت در موارد فوری، ضروری نیست.

- هر نوع عمل جراحی یا طبی که به شرط رضایت صاحبان حق و با رعایت نظاماتی که از طرف دولت تصویب و اعلام می شود، انجام گیرد.

طبق ماده ۴۲، اقدامات پزشکی معاف از تعقیب و مجازات هستند اگر با رضایت انجام شوند، ضروری باشند و یا همراه با نظارت دولتی باشند. دو مورد نخست روشن بود اما مورد سوم ابهام داشت و این نگرانی و هراس بود که وجود چنین بندی، مجوزی برای انجام هر گونه آزمایش بر روی انسان با نظارت و اجازه دولت شود و حتی وزارت بهداشتی سابق قصد داشت با استناد به این بند، سقط جنین را آزاد اعلام کند که با مخالفت شدید مواجه شد. حقوقدانان ضمن مخالفت صریح با انجام چنین آزمایش هایی، در تفسیر این بند بیان کردند که دولت تنها نظاماتی را می تواند تجویز کند که هدف از آن بهبود بیمار باشد و هر گاه این رسالت خود را فراموش کند و اجازه دهد که بیماران ابزار تجربیات پزشکی شوند، از وظیفه خود تخطی کرده و به همان راهی رفته است که آلمان نازی قدم گذاشته بود. هر چند در قانون مجازات عمومی تنها رعایت موازین علمی و فنی شرط شده بود اما در رویه عملی، رعایت تناسب میان عمل پزشکی و نتایج احتمالی را نیز لازم می دانستند و پزشک را موظف به توجیه بیمار و تشریح نتایج و

خطرات احتمالی عمل پیش از کسب رضایت می کردند، در غیر این صورت پزشک مسؤول بود.

بنابراین برای رفع هرگونه مسؤولیت، افزون بر رضایت، اخذ براءت نیز ضروری است. ماده ۳۲۲ نیز در این باره بیان می کند که هرگاه طبیب یا بیمار و مانند آن، قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا صاحب حیوان براءت حاصل نماید، عهده دار خسارت پدید آمده نخواهد بود. از دیدگاه فقه اسلامی، رضایت به انجام آزمایش و پژوهش های پزشکی غیردرمانی بدون خطر مرگ در صورت وجود یک غرض و منفعت و مصلحت عقلایی منع شرعی ندارد اما رضایت به مرگ نهی شده است.^۱ افزون بر این مواد از قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۰ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، کمیسیون های خاصی را برای نظارت بر واردات، تولید و آزمایش هر نوع دارو و مواد بیولوژیک، پیش بینی کرده است. ماده ۵ مجموعه قوانین های حفاظت آزمودنی انسانی در پژوهش های علوم پزشکی مصوب ۱۳۷۸، تاکید می کند که اطلاعات لازم باید از سوی پژوهشگر به آزمودنی ارائه شود و ماده ۱۱ نیز شرکت آزمودنی در پژوهش را بدون آگاهی از اطلاعات مربوط به آزمایش، ممنوع کرده است. همچنین در سال ۱۳۸۰ و پس از تدوین مجموعه قوانین های اخلاقی حمایت از آزمودنی، کمیته اخلاق در پژوهش وزارت بهداشت، مسؤولیت نظارت بر پژوهش ها و حمایت از سوزدهای انسانی را برعهده گرفت.^۲ راهنمای اخلاقی پژوهش های ژنتیک مصوب شورای سیاستگذاری وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، پس از تعریف آزمایش های مجاز و اهداف عقلایی و قانونی برای پژوهش روی انسان، در بند ۵ اعلام می دارد که گرفتن رضایت از فرد مورد آزمون باید آزادانه، آگاهانه، صریح و به دور از

^۱. عباسی، منبع پیشین، نقش رضایت در پژوهش های علوم پزشکی، ص ۶۰.

^۲. تیموری، منبع پیشین، صص ۱۰۶-۱۰۵.

القای هرگونه نظرات یا مقاصد مادی یا غیر آن برای جمع آوری داده‌های ژنتیک و پروتئومیک انسانی، نمونه‌های بیولوژیک و یا گرفتن عکس یا فیلم باشد. برای پردازش، استفاده و ذخیره‌سازی این داده‌ها از طریق مؤسسات دولتی و غیردولتی، در مواد ۹ و ۱۰ تأکید می‌شود که کسب رضایت آگاهانه ضروری است و لغو رضایت نباید خسارت یا جریمه‌ای را برای فرد مورد آزمون به همراه آورد و هرگاه فرد رضایت نامه را لغو کند، داده‌های ژنتیکی و پروتئومیک و نیز نمونه‌های بیولوژیک او دیگر نباید مورد استفاده قرار گیرند.^۱ به نظر می‌رسد غیر از مواردی که مطرح شد، مقررات خاص دیگری پیرامون آزمایش و پژوهش پزشکی بر روی انسان، وجود نداشته باشد و همین نکته ضرورت کاوش در فقه اسلامی و سایر منابع را برای تدوین قوانین متناسب با تحولات نوین آشکار می‌سازد. اهمیت و حساسیت این قبیل اقدامات درمانی و پژوهش‌ها، تعاریف جدید و قوانین و مقررات خاص خود را مطالبه می‌نماید. طبق مقررات موجود، انجام آزمایش برای درمان بیماری و یا بهره‌گیری از روش‌های درمانی جدید، چنانچه همراه با رضایت و براءت بیمار باشد و موازین علمی و فنی نیز رعایت شود، پژوهشگر و پزشک را از مسئولیت معاف می‌کند. در غیر این صورت وی مسؤول جبران خسارت ناشی از اقدامات خویش است و اگر ضرر جانی نیز وارد آید، حسب مورد طبق قانون مجازات اسلامی مستوجب مجازات قتل، ایراد ضرب و جرح و غیره خواهد بود. اما دستکاری ژنتیکی، تغییر و تخریب ژن‌ها به منظور اصلاح نژاد، اقدامات غیردرمانی مانند آنکه پزشک به قصد کسب تجربه و یا کشف علمی، آزمایش یا عمل جراحی را انجام دهد، از مواردی است که قابل بحث بوده و قوانین فعلی برای پاسخ به چالش‌های موجود کافی و مناسب نیست.^۲

^۱. نوروزیان، منبع پیشین، ابعاد اخلاقی بیولوژی با تأکید بر ژن درمانی، ص ۹۱.

^۲. تیموری، منبع پیشین، صص ۱۰۷-۱۰۶.

بخش دوم: نظام مسئولیت مدنی ناشی از دستکاری ژنتیکی نامطلوب در

نظام حقوقی ایران

الف) مسئولیت قراردادی

در حقوق ایران دو نوع مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد در نظر گرفته شده است. در نظام مسئولیت قراردادی اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، برابر ماده ۲۲۱ قانون مدنی در صورت تخلف، مسؤول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت، تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون، موجب ضمان باشد.^۱ در فرض دیگری ممکن است شرط مطالبه خسارت و یا عدم النفع شود که در این صورت با گونه‌ای شرط فعل یا شرط نتیجه روبرو خواهیم بود. اما با توجه به اینکه در بسیاری از موارد، فرد دارای حق برای نمونه، چنین موضوع دستکاری ژنتیکی در موقعیتی نیست که بتواند چنین شرطی را بگذارد، باید بر این باور بود که تعهد حرفه‌ای پزشک، عرفاً به منزله تصریح خواهد بود.

در بحث مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران برای آن که بتوانیم مسئولیت را به شخص یا گروهی منتسب نماییم، وجود سه عنصر وجود ضرر، فعل زیانبار و رابطه سببیت لازم است:

۱) وجود ضرر

هدف از قواعد مسئولیت مدنی جبران ضرر است. انسان وقتی از نظر مدنی مسؤول تلقی می شود که ملزم باشد آثار و نتایج ضرر به دیگری را جبران نماید. به دیگر سخن،

^۱ باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۳۹.

باید زبانی به بار آید تا برای جبران آن مسؤولیت ایجاد شود و دینی برعهده مسؤول قرار گیرد. ماده یک قانون مسؤولیت مدنی ضرورت وجود ضرر را با این واژگان بیان می‌کند که هر کس بدون مجوز قانونی لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود است و ماده ۲ می‌افزاید که در موردی که عمل وارد کننده زیان، موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه‌ها پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت یاد شده محکوم می‌نمایند.^۱ شرایط ضرر قابل مطالبه در هفت عنوان مسلم بودن، مستقیم بودن، نامشروع بودن، شخصی بودن، جبران نشده بودن، قابل پیش بینی بودن و ناشی از اقدام زیان دیده نبودن قابل بررسی است که همه آنها در عملیات دستکاری ژنتیکی قابل جمع اند. زیان-هایی که مسؤولیت مدنی برای جبران آن ایجاد می‌شود به سه دسته مادی، معنوی و بدنی تقسیم می‌شوند. مقصود از ضرر مادی، زبانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد که گمان می‌رود از موضوع بحث حاضر خارج باشد.^۲ زیان‌های معنوی خود به دو گروه تقسیم می‌شوند، اول، لطمه به عواطف و ایجاد تألم و تأثر روحی که شخصی با از دست دادن عزیزان خود یا ملاحظه درد و رنج آنان می‌بیند و دوم زیان‌های وارد به حیثیت و شهرت یا به طور خلاصه آنچه در زبان عرف، سرمایه یا دارایی معنوی شخص است.^۳ صدمه‌های بدنی هر دو چهره مادی و معنوی را دارا هستند. صدمه‌هایی که به سلامت شخص وارد می‌شوند، هم از نظر روانی باعث زیان او هستند و

^۱. قاسم زاده، سیدمرتضی، مبانی مسؤولیت مدنی، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.

^۲. تیموری منبع پیشین، صص ۱۰۸-۱۰۷.

^۳. محقق داماد، مصطفی، قلمرو مسؤولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳۳، ۱۳۸۱،

هم هزینه‌های درمان و جراحی و بیمارستان و از کارافتادگی و کفن و دفن را بر دارایی او تحمیل می‌کنند. ارزیابی خسارت ناشی از صدمه‌های بدنی دشوار است، زیرا بیشتر این خسارت‌ها در آینده تحقق می‌یابد و احتمال و گمان و حدس در آن مؤثر است. برای نمونه به دشواری می‌توان به یقین رسید که اختلال ژنتیکی چه عوارضی به بار می‌آورد، درمان آن چه اندازه طول می‌کشد و چه اندازه هزینه دارد و میزان از کارافتادگی ناشی از آن چیست؟^۱

۲) فعل زیانبار

برای آنکه مسئولیت مدنی ایجاد شود، باید کار زیان بار ناهنجار بوده و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناشایسته بداند. ماده اول قانون مسئولیت مدنی نیز با اشاره به این امر که هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود است، به غیرقانونی بودن عمل موجد مسئولیت مدنی اشاره دارد که در موضوع نوشتار حاضر، این فعل، عبارت از عملیات دستکاری ژنتیکی است.^۲

۳) رابطه سببیت

اثبات ورود ضرر به زیان دیده و همچنین ارتکاب نقض یا وقوع فعلی از طرف خواننده یا کسانی که مسئولیت اعمال آنان با او است، به تنهایی دعوی خسارت را توجیه نمی‌کند، بلکه باید احراز شود که بین دو عامل ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت وجود دارد یعنی ضرر از آن فعل ناشی شده است. برای آن که حادثه‌ای سبب شمرده شود، باید آن

^۱. تیموری، منبع پیشین، ص ۱۰۹.

^۲. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، انتشارات حوزه، تهران، ۱۳۷۱، ص ۹۴.

حادثه در شمار شرایط ضروری تحقق ضرر باشد.^۱

ب) مسئولیت خارج از قرارداد

بررسی مواد ۳۳۱، ۳۲۸ و ۳۳۲ قانون مدنی ایران به خوبی نشان می‌دهد که از نظر قانونگذار در حوزه مسئولیت قهری، هر نوع خسارتی موجب ضمان نیست؛ بلکه باید بر آن اتلاف مال یا تسبیب در تلف مال صدق کند تا قابل مطالبه باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت که از دیدگاه قانونگذار مدنی، مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، با مبنای مسئولیت قهری به کلی تفاوت دارد. مبنای مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد، اراده طرفین و مبنای مسئولیت قهری حکم قانونگذار است.^۲ به عبارت دیگر مسئولیت مدنی عبارت است از جبران ضرر و زیان و خسارت به دیگری که این مسئولیت بر اساس یک رابطه دینی بین زیان دیده و زیان زننده ایجاد می‌شود در این نوع مسئولیت چون عمل ارتكابی مخل نظم عمومی نیست جامعه از خود دفاع نمی‌کند و متضرر از جرم باید زیان وارده به خود را از مرتکب مطالبه نماید. هدف از مسئولیت مدنی یا ضمان قهری جبران خسارت شخص متضرر می‌باشد و به عبارت دیگر برای حفظ حقوق خصوصی افراد وضع شده است. در مسئولیت مدنی قلمرو بسیار گسترده است به نحوی که به محض ورود خسارت از طرف زیان رساننده مسئولیت مدنی وی جهت جبران خسارت ظاهر می‌شود به عبارتی دیگر هر خسارتی ناشی از تقصیر، بی احتیاطی، بی مبالائی و عدم مهارت قابل جبران می‌باشد.^۳

ماده یک قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ مقرر می‌دارد که هر کس بدون مجوز قانون،

^۱. قاسم زاده، منبع پیشین، ص ۱۷.

^۲. تیموری، منبع پیشین، ص ۱۱۱.

^۳. بروجردی عبده، محمد؛ حقوق مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸.

عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود است. بدین ترتیب مسؤولیت مدنی علی‌الاصول بر مبنای تقصیر استوار شده است زیرا قانون، در مقام بیان قاعده کلی، مقرر داشته که ورود ضرر به دیگری باید در نتیجه عمد یا بی‌احتیاطی صورت گیرد.^۱ ماده ۳۰۷ قانون مدنی، در چارچوب ضمان قهری از چهار عامل زیر یاد می‌کند:

- غصب و آنچه در حکم غصب است

غصب تئوری مستقلی است که از استیلاي نامشروع بر حق دیگری ناشی می‌شود. ماده ۳۰۸ قانون مدنی از آن به عنوان استیلا بر حق غیر به نحو عدوان یاد کرده است. این تعریف، فرضی را نیز که شروع استیلا به اذن مالک بوده ولی بدون مجوز و پس از قطع اذن ادامه یابد را نیز دربر می‌گیرد.^۲ در نگاه اول، گمان می‌رود در حوزه مدنی بتوان اموری چون سوء استفاده از اطلاعات ژنتیکی و یا سرقت آنها به گونه‌ای که فرد دارای حق از امکان استفاده از آنها محروم باشد را در دایره شمول غصب قرار داد. در این صورت، برابر ماده ۳۱۵ همان قانون، غاصب مسؤول هر نقص و عیبی خواهد بود که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد. مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که نه ژن - دست کم تا هنگامی که عضوی از اعضای بدن انسان تلقی می‌شود- و نه اطلاعات ژنتیکی انسان مال نیستند. فلذا نمی-

^۱. کاتوزیان، ناصر، مسؤولیت مدنی (ضمان قهری)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ص ۴۵.

^۲. امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، چاپ چهاردهم، جلد ۱، ۱۳۷۳، ص ۳۶۲.

توان قواعد مربوط به غضب را بر آنها جاری نمود.^۱

- اتلاف

اتلاف به موردی اختصاص می‌یابد که شخص به طور مستقیم مال دیگری را تلف کند و در این تلف کردن مباشر تلف باشد و نه مسبب آن. اتلاف در قانون مدنی اختصاص به از بین بردن مال دیگری داشته و شامل وارد آوردن آسیب به افراد نمی‌شود. برابر ماده ۳۳۱ قانون مدنی، هر کس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده نقص قیمت برآید. هم از این ماده و هم از عبارت معروف فقهی *مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ*، به نظر می‌رسد که قاعده اتلاف فقط در مورد از بین رفتن اموال جریان می‌یابد.^۲ از این رو و با توجه به آنکه نمی‌توان آنچه را که در عملیات دستکاری ژنتیکی از بین می‌رود مال نامید، قاعده اتلاف نمی‌تواند موضع مناسبی برای تحلیل موضوع مورد بحث باشد. البته منفعت مال نیز مال تلقی می‌شود. اما اطلاق واژه مال به اعضای تشکیل‌دهنده بدن انسان و از جمله ژن‌های هسته‌ای دست کم تا هنگامی که در بدن انسان قرار دارند، محل تردید است.^۳

- تسبیب

در تسبیب نیز شخص به طور مستقیم، مباشر تلف کردن مال نیست بلکه تنها مقدمه تلف آن را فراهم می‌کند. به دیگر سخن، مسبب کاری انجام می‌دهد که در نتیجه آن کار، یا همراه با علت‌های دیگر، تلف واقع می‌شود.^۴ در تسبیب، شخص به طور مستقیم

^۱. تیموری، منبع پیشین، ص ۱۱۲..

^۲. کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۹.

^۳. تیموری، منبع پیشین، ص ۱۱۳.

^۴. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷.

مباشر تلف یا زیان نیست بلکه تنها مقدمه تلف را فراهم می‌کند. درباره تسبیب نیز در نگاه اول، چنین می‌نماید که اقدام به عملیاتی مانند دستکاری ژنتیکی به گونه‌ای که صاحب ژن به عنوان مباشر، اقدام به وارد آوردن زیان نماید می‌تواند مصداق تسبیب قلمداد شود. حال آنکه تسبیب نیز علی‌الاصول در چارچوب مال قابل بررسی است و از این رو، نمی‌تواند موضع مناسبی برای تحلیل مسؤولیت ناشی از دستکاری ژنتیکی باشد.^۱

— استیفا

در استیفا، قانونگذار کسی را که از مال یا کار دیگری با اذن او سود برده است، موظف می‌داند تا عوض آنچه را استیفا کرده بپردازد؛ هر چند به مالک یا عامل هیچ زیانی نرسیده باشد. گمان می‌رود که موضوع دستکاری ژنتیکی از قلمرو استیفا خروج موضوعی داشته باشد و از این رو از پرداختن به آن چشم‌پوشی می‌شود. از آنچه گفته شد برمی‌آید که ضمان قهری ناشی از عملیات دستکاری ژنتیکی در قوانین ایران پیش‌بینی نشده است.^۲

نکته حائز اهمیت آن است که گرچه نمی‌توان با کمک احکام مربوط به غضب و سایر عناوین مطرح شده، مسؤولیت مدنی ناقض حقوق بشر در موضوع دستکاری ژنتیکی را استنباط کرد اما می‌توان با کمک قاعده لاضرر، تا حدودی جبران خسارت را در موضوع تغییرات ژنتیکی نامطلوب ممکن ساخت.^۳ قاعده "لاضرر"^۴ یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می‌شود و

۱. تیموری، منبع پیشین، صص ۱۱۳-۱۱۲.

۲. تیموری، منبع پیشین، ص ۱۱۴.

۳. باقری اصل، حیدر، کاربرد قاعده لاضرر در قانون مدنی ایران، مجله فلسفه و کلام، شماره ۱۵، ۱۳۸۶، ص ۱۸.

۴. لاضرر و لا ضرار فی الاسلام: هیچ زیان بینی و زیان رسانی ای در اسلام پذیرفته نیست.

مستند بسیاری از مسائل فقهی و حقوقی می‌باشد. اهمیت قاعده مذکور به حدی است که بسیاری از فقها از گذشته دور و نزدیک در تألیفات و تقریرات خود رساله مستقلى را به آن اختصاص داده‌اند. در واقع مسئولیت برگرفته از قاعده لاضرر در موضوع تغییرات ژنتیکی می‌تواند به عنوان تکیه گاهی حقوقی برای قربانی نقض حقوق اولیه بشری، باشد.^۱

از نظر فقه اسلامی، اگر نتوان قائل به حرمت ذاتی دستکاری ژنتیکی در ژنوم انسان و همانندسازی زایشی انسان شد، توجه به زیان‌ها و پیامدهای سوء اجتماعی و اخلاقی این عمل، به ویژه به هم خوردن نظام خانواده، ایجاد اختلال در وضعیت قرابت و نسب کلون‌ها، اختلال نظام جامعه و نیز وجود احتمال قوی دال بر بروز اختلالات جسمی و روانی در کلون‌ها، ورود آسیب و زیان به زنان دهنده تخمک و مادران جانشین و همچنین ادله مربوط به احترام نفس انسان و لزوم صیانت آن از آسیب و قواعدی مانند قاعده لاضرر و لزوم پرهیز از اختلال نظام، اقتضای منع آن را دارد. اما دستکاری ژنتیکی در ژنهای انسانی برای کاربردهای درمانی و پژوهشی و استخراج سلول‌های بنیادین از جنین کلون شده، با توجه به اینکه انتظار می‌رود این پژوهش‌ها منتهی به تحولات و پیشرفت‌های بسیار با اهمیت علمی در عرصه طب زیستی و نافع برای کل جامعه بشری بشود، قابل تجویز به نظر می‌رسد.^۲ به عبارت دیگر در قوانین ایران ضمانت اجرا و قانون مناسبی جهت منع تغییرات ژنتیکی نامطلوب یافت نمی‌شود، لذا برای حل این مشکل می‌بایست از قواعد فقهی کمک گرفت، به بیان دیگر قاعده لاضرر بخشی از مبانی فقهی مسئولیت مدنی محسوب می‌شود.

^۱. لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۷۱.

^۲. صادقی، محمود، همانندسازی انسان (مروری بر دیدگاه‌های مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی)،

فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۷۶-۷۴.

بخش سوم: عملکرد برخی دیگر از کشورها در حمایت از حقوق بشر در مقابل تغییرات نامطلوب ژنتیکی

بند اول: بررسی عملکرد ایالت متحده آمریکا

در برخی کشورها، خصوصاً ایالات متحده به عنوان موضوع گفتار مورد بحث، سیاست فن‌آوری ژنتیکی جدید، به گونه‌ای دو قطبی شده است که گویی تمامی راه‌ها به بن‌بست رسیده است. جناح مذهبی بر روی ممنوعیت کامل تقریباً هر گونه تحقیق بر روی نطفه‌ی انسان اصرار می‌ورزد، در حالی که منافع تحقیقات زیست‌شناسی و صنعت بیوتکنولوژی، آزادی کامل از هر گونه نظارت هدفمند عمومی و پاسخگویی را ایجاب می‌کند. به طور مثال زمانی که بحث شبیه‌سازی انسان در کنگره آمریکا مطرح بود، برخی از جمهوری‌خواهان (راست‌های افراطی) خواهان مجاز شمردن این امر شدند، در حالی که شماری از لیبرال‌ها بر ضرورت تدوین قوانین سخت‌گیرانه‌تر برای نظارت بر این تحقیقات، تأکید ورزیدند. به طور کلی مجموعه قوانین بیوتکنولوژی انسانی در آمریکا، هم از نظر صلاحیت قضایی و هم ماهوی فاقد یکپارچگی است. ابزار کنترل‌کننده قوانین بیوتکنولوژی مدرن در آمریکا موافقت داوطلبانه، تحریم‌های اداری و مجازات‌های کیفری را شامل می‌شود.^۱ در موضوع شبیه‌سازی انسان به عنوان یکی از مصادیق تغییرات ژنتیکی، ایالات متحده آمریکا "قانون منع شبیه‌سازی انسان و حمایت از تحقیقات سلول‌های بنیادین"^۲ را در سال ۲۰۰۲ به تصویب سنا رساند که پس از برخی اصلاحات در سال ۲۰۰۳ به تصویب کنگره رسید. در این قانون، شبیه‌سازی انسان صریحاً جرم معرفی

۱. واین، جیمز، بررسی قوانین بیوتکنولوژی آمریکا (مجموعه مقالات حقوق پزشکی)، ترجمه محمود عباسی، انتشارات حقوقی، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶.

۲. Human cloning Ban and stem cell Research Protection Act.

شده و هر شخص حقیقی یا حقوقی که به آن مبادرت ورزد با برخورد دستگاه کیفری مواجه خواهد شد. در سطح ایالتی، برخی ایالات^۱ با فراتر نهاده، تمام گونه‌های شبیه‌سازی را قانونگذاری کرده‌اند.^۲

در موضوع ژن درمانی در انسان و مداخله در ژن‌های انسانی در آمریکا باید بدین نکته اشاره کرد که هیچگونه قانون فدرالی که بر مداخله در ژنوم انسانی نظارت داشته باشد، وجود ندارد. دولت فدرال از رقابت‌های درونی و بیرونی و همچنین فقدان یک برنامه قانونمند پیچیده که هدف آن ایجاد چارچوب‌های قانونی برای حل مشکل دستکاری ژنتیکی نامطلوب باشد، رنج می‌برد. در راستای انجام روش‌های نوین ژن درمانی، یک‌سری مقررات و توصیه‌های ویژه، از سوی مراکز دست‌اندرکار، وضع شده است. از جمله اینکه، در سال ۱۹۸۸ میلادی از سوی مؤسسه ملی بهداشت آمریکا،^۳ یک‌سری دستور العمل‌ها و مقررات خاص، برای کاربرد ژن درمانی، ارائه شده که مراکز تحقیقاتی ژن درمانی ملزم به رعایت آنها می‌باشند. که این دستور العمل‌ها عبارتند از:

- تا قبل از حصول اطمینان از صحت و امکان‌پذیری ژن درمانی، از انجام این گونه آزمایش‌ها، خودداری کنند.

- هدف پروژه و همچنین مدارک معتبر دال بر شناسایی ژن معیوب را تعیین و ارائه کنند.

- ژن درمانی بیماریهایی که بیمار شانس زنده ماندن کمتر از ۳ ماه را دارد و یا بیماری که با روش‌های معمولی با شکست مواجه شده است، نظیر سرطان‌های بدخیم یا ایدز و نظایر آن، در اولویت تحقیقات قرار داشته باشد.

^۱. میشیگان، اراکانزاس، داکوتای شمالی و جنوبی.

^۲. عباسی، منیع پیشین، ص ۵۲.

^۳. National Institutes of Health, (NIH).

- در صورت کاربرد ویروسها به عنوان ناقل، تمام جوانب احتیاطی و شرایط ایمنی رعایت شود.

قانون گسترش پژوهش‌های بهداشتی مورخ سال ۱۹۸۵ میلادی، هیات اخلاقی بیوپزشکی را بنیان نهاد. نهادی دائمی و مسئول در برابر مجلس که در امور مربوط به اخلاق زیستی ملزم است تا هر سه ماه یکبار تشکیل جلسه دهد و سالانه گزارش خود را به مجلس ارائه نماید. سازمان اداری غذا و دارو^۱ که تحت نظارت دپارتمان بهداشت و خدمات انسانی^۲ فعالیت می‌کند مواد دارویی، افزودنی‌های غذایی، تجهیزات پزشکی را پس از اطمینان از بی‌خطر بودن و کارآمد بودن آنها از جانب تولید کننده مورد تایید قرار می‌دهد. این سازمان اداری نظارت و کنترل بر کلیه محصولات اعم از اینکه هزینه آنها از جانب دولت فدرال تامین شده یا نشده باشد، از جمله آن دسته از محصولاتی که در نتیجه مهندسی ژنتیک پدید می‌آیند را بر عهده دارد. این سازمان به منظور نظارت بر محصولات بیوتکنولوژی بیانیه‌ای را ارائه داده است که در آن هیچ رویه یا الزام تازه‌ای را برای محصولات مهندسی ژنتیک مطرح نکرده است، اما کاربردی که بر اساس رویه‌های اعمال شده بر هر محصول از آن انتظار می‌رود، مورد تجدیدنظر قرار داده است.^۳

در زمینه سازمان‌ها و موسساتی که در موضوع دستکاری ژنتیکی و ژن درمانی در آمریکا فعالیت می‌کنند، می‌توان به کمیته مشورتی دی‌ان‌ای^۴ اشاره کرد. برجسته‌ترین گروهی که راهکارهایی را در زمینه دی‌ان‌ای دارای صفات ارثی جدید و ژن درمانی در انسان ارائه می‌دهد کمیته مشورتی دی‌ان‌ای وابسته به انستیتوی ملی بهداشت است که تنها

^۱. U S Food and Drug Administration , (FDA).

^۲. U S Department of Health and Human Services , (DHHS).

^۳. واین، منبع پیشین، صص ۱۵۸-۱۵۵.

^۴. DNA Advisory Committee.

در مورد پژوهش‌هایی که توسط موسسات مورد حمایت انستیتوی ملی بهداشت انجام می‌شود، صلاحیت قضایی دارد. انستیتوی ملی بهداشت، یکی از سازمان‌های وابسته به دپارتمان بهداشت و خدمات انسانی است. لازم به ذکر است که مجموعه قوانین کمیته مشورتی دی ان ای به دو دسته تقسیم می‌شود؛ اول آنچه سبب استقلال اقتصادی و تایید تحقیقات می‌شود و دوم مجموعه قوانینی که خصوصاً هدف آنها ژن درمانی در انسان است. در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶ میلادی، کمیته مشورتی دی ان ای پروتکل ژن درمانی سلول‌های انسانی را به تصویب رساند؛ راهکارهایی که لازم است تا هنگام استفاده از ماده ژنتیک انسانی در تشخیص و درمان اختلالات ناشی از نقص ژنتیکی در انسانها مورد استفاده قرار گیرد. پروتکل بدین نکته اشاره می‌کند که لازم است تا آزمایش‌هایی که در آنها دی ان ای با صفات ارثی جدید وارد سلول‌های انسان مورد آزمایش می‌گردد، تحت نظارت کمیته مشورتی دی ان ای متعلق به انستیتوی ملی بهداشت قرار داشته باشد و قبل از انجام آزمایش به تایید انستیتوی ملی بهداشت برسد. امروزه مجموعه مقررات تحقیقات ژنتیکی در آمریکا تا حد زیادی به این مسئله بستگی دارد که این تحقیقات خطری برای ایمنی و بهداشت محسوب نشود.

به منظور اطمینان از ایمنی تحقیقات و محصولات بیوتکنولوژی، چارچوبی هماهنگ برای مجموعه قوانین بیوتکنولوژی، بلافاصله در ماه ژوئن سال ۱۹۸۶ میلادی توسط دفتر اجرایی ریاست جمهوری ایالت متحده آمریکا و از طریق دفتر علوم و خط مشی تکنولوژی به مرحله اجرا درآمد. این خط مشی با خط مشی سازمان اداری غذا و دارو، انستیتوهای ملی بهداشت و بنیاد علوم ملی تلفیق شده است. هدف این خط مشی تقویت چارچوبی یکپارچه و هماهنگ در مهندسی ژنتیک و هرگونه محصول مهندسی ژنتیک است که به

موجب آن نهادی مسئولیت دو مورد مذکور را بر عهده بگیرد.^۱ در مورد دستکاری ژنتیکی در گیاه و حیوان باید بدین نکته اشاره کرد که به طور کلی دو نوع چارچوب مقرراتی برای مواد غذایی که در فرآیند تغییرات ژنتیکی قرار دارند، وضع شده است. برخی قوانین، مقرراتی اختصاصی براساس نظارت بر فرآیند اصلاح ژنتیکی موجودات زنده تصویب می کنند، این رویه در اتحادیه اروپا و استرالیا حاکم است. در مقابل سیستم‌های قانون-گذاری دیگری نیز برپایه محصول بنا نهاده شده‌اند و به جای فرآیند اصلاحات ژنتیکی بر ویژگی‌های محصول و کاربرد آن تمرکز دارند، این سیستم به عنوان نمونه در ایالات متحده آمریکا و کانادا به کار می‌رود.^۲ در کنار این چارچوب‌های حقوقی، برجسب-گذاری محصولات تراریخته از اصول مهم اخلاق زیستی و ایمنی زیستی محسوب می‌شود. برجسب‌گذاری و جدا سازی مواد ژنتیکی حق مردم است تا بتوانند بین محصولات معمولی و ژنتیکی حق انتخاب داشته باشند. طبق محاسبات انجام شده این کار می‌تواند سالانه ۴-۵ میلیارد به صادرات کشاورزی آمریکا صدمه بزند و شواهد حاکی از آن است که آمریکا برای رسیدن به سود بیشتر به کشورهایی که در تجارت با آن هستند فشار می‌آورد تا جدا سازی محصولات ژنتیکی را انجام ندهند. از جمله این کشورها نیوزلند است که در فوریه ۱۹۹۸ میلادی مورد تهدید آمریکا قرار گرفت زیرا این کشور دارای برنامه نظارت بر روی محصولات ژنتیکی می‌باشد. با وجود اینگونه تهدیدها فشار روز افزون مردم و نگرانی آنها از سلامت محصولات ژنتیکی بیشتر دولت‌ها را مجبور به نظارت بر این محصولات و جدا سازی و برجسب زنی روی آنها کرده است.

^۱ واین، منبع پیشین، ص ۱۵۴.

^۲ Health Canada. 2000. Guidelines for the Safety Assessment of Novel Foods. Vol I and II. Food Directorate, Health Protection Branch, Health Canada, Ottawa. <http://www.hc-sc.gc.ca/foodalimnt/mh-dm/2000>.

بند دوم: بررسی عملکرد انگلستان

در انگلیس، وضع مقررات و قوانین ژنتیکی برعهده چند سازمان دولتی از جمله، کمیته مشورتی فراوری مواد خوراکی جدید و مدیریت بهداشت و ایمنی است؛ هرچند که دانشمندان از کمبود تمرکز و عدم همکاری نهادها و سازمانهای دولتی در اجرای مقررات موردنظر گلهمند هستند. مثلاً چند سال است که شورای مستقل ناحیه نافیلد در زمینه اخلاق زیستی، خواستار اقدام فوری دولت شده تا اجازه ندهد بیمه گران و کارفرمایان از اطلاعات ژنتیکی سوءاستفاده کنند. درحالیکه از سوی دولت، در عمل کاری صورت نپذیرفته است. در این زمینه خلاء و کمبود اطلاعاتی وجود دارد که تنها متفکرین بزرگ، به دور از هیاهو و جاروجنجالهای علمی، سیاسی و تجاری می توانند آنرا پر کنند.

انگلستان اولین کشوری بود که عمل شبیه سازی انسان را به طور موثری قانونمند کرد و پس از افت و خیزهای فراوان، سرانجام در سال ۲۰۰۱ میلادی قانون شبیه سازی تولید مثلی (مولد) انسان^۱ مبنی بر ممنوعیت همانندسازی انسان را تهیه و تصویب نمود. این قانون انتقال و جایگزینی هرگونه رویان انسانی حاصله از روشی غیر از تلقیح را فعلی جنایی تلقی کرده و مجازات حبس یا جزای نقدی برای آن پیش بینی کرده است.^۲ به عبارت دیگر در انگلستان، برای کلونینگ انسان اجازه نامه لازم است و برای این کار هیأتی از طرف دولت تعیین شده است و این هیأت نیز از صدور چنین اجازه ای، خودداری می کند. متجاوزان از این امر، به ده سال زندان محکوم خواهند شد. اما باید بدین نکته اشاره کرد که این کشور، در سال ۲۰۰۱ میلادی عمل شبیه سازی پژوهشی یا درمانی را قانونی اعلام کرد.

^۱. Human Reproductive cloning Act.

^۲. قربانی، منبع پیشین، ص ۱۸۳.

بند سوم: بررسی عملکرد کشورهای اسلامی

در میان ادیان مختلف بر مبنای دغدغه‌های اخلاقی که غالباً صبغه دینی دارند دیدگاه‌های مختلفی در خصوص علم ژنتیک ابراز شده است. عده‌ای به کل طریقت مخالفت در پیش گرفتند و برخی نیز با واقع بینی میانه روی را برگزیده‌اند. این دیدگاه عام مخالفت و یا موافقت مشروط در میان تمامی ادیان دیده می‌شود حال آنکه در مسیحیت پدیده ژنتیک انسانی چه در شکل اصلاحی و چه در شکل آفرینندگی آن، مورد مخالفت قرار گرفته و کلیسا طریق مخالفت با آن را برگزیده است. حال آنکه در آئین مقدس اسلام و علی‌الخصوص مذهب تشیع، دیدگاه حاکم بر جواز اقدامات صورت گرفته در حوزه ژنتیک است و بسیاری از بزرگان حکم به جواز داده و صرفاً در رابطه با ژنتیک انسانی که سبب خلق انسان جدیدی شود حکم به تحریم داده‌اند. البته در دین مبین اسلام در خصوص سایر شاخه‌های ژنتیک نیز رعایت کرامت انسانی و حقوق گیاهان و حیوانات به عنوان مخلوقات باری تعالی مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.^۱

یکی از راههای رشد و توسعه فن‌آوری و استفاده از آن در جهت حمایت از حقوق بشر، همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای کشورهای اسلامی با یکدیگر است. کمیته دائمی همکاری‌های علمی و فن‌آوری سازمان کنفرانس اسلامی^۲ یکی از مراکز فعال در زمینه‌ی علم و فناوری در سازمان کنفرانس اسلامی است که با هدف جلب مشارکت علمی دانشمندان کشورهای اسلامی و همچنین ارتقای سطح همکاری‌های منطقه‌ای میان کشورهای عضو در سال ۱۹۸۱ تاسیس شده است. مقر این کمیته در شهر اسلام آباد پایتخت پاکستان می‌باشد و ۵۷ کشور اسلامی در آن عضویت دارند. این کمیته که

^۱.السان، منبع پیشین، ص ۲۶۱.

^۲.Committee on Scientific and Technological Cooperation, (COMSTECH).

اختصاراً کامستک نامیده می‌شود با هدف افزایش سطح همکاری‌های علمی و فناوری میان کشورهای اسلامی به منظور حل مشکلات کشورهای اسلامی، شناخت و تشویق ابداعات علمی و فناوریانه، در جهت منافع پایدار توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی، مشارکت و همکاری‌های بیشتر کشورهای اسلامی در پروژه‌های علمی جهان و برنامه‌های پیشبرد علم و فناوری، تشویق کشورهای اسلامی به منظور توسعه برنامه‌های همکاری میان مراکز پژوهشی مرتبط با علوم و فناوری و محیط زیست که نقش اساسی و کلیدی در توسعه این کشورها دارند همچنین تأکید بر توسعه آموزش‌های تکمیلی در موضوعات بیوتکنولوژی، سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات، توجه ویژه به فن‌آوری اطلاعات و مبادله آن میان کشورهای اسلامی شکل گرفته است.^۱

کامستک در زمینه فعالیت‌های بیوتکنولوژی تاکنون شش سازمان داخلی در زمینه علوم مختلف تشکیل داده است که یکی از آنها سازمان ارتباطی مهندسی ژنتیک و تکنولوژی زیستی کشورهای اسلامی نام دارد. هم‌اکنون یازده کشور اسلامی مصر، مراکش، ایران، الجزایر، نیجریه، پاکستان، سنگال، عراق، سودان، تونس و ترکیه عضو مرکز بین‌المللی ژنتیک و تکنولوژی زیستی هستند که توانمندی کشورهای عضو کامستک را در زمینه بیوتکنولوژی نشان می‌دهد.

در موضوع نظریه‌های مطرح شده در مسئله فرآیندهای ناشی از فناوری ژنتیک در کشورهای اسلامی باید بدین نکته اشاره کرد که به طور کلی فقهای کشورهای اسلامی در خصوص همانندسازی آدمی و فرآیندهای مهندسی ژنتیک، با اقامه دلایل متعددی از قبیل نقض کرامت انسانی، تزلزل در باورهای دینی، تضعیف نظام خانواده، بهم‌خوردن نسب

^۱. نوروزیان، مهدی، کمیته دائمی همکاری‌های علمی و فن‌آوری سازمان کنفرانس اسلامی، نشریه ره‌یافت، شماره

وارث و غیره آن را منع کرده، حرام می‌دانند و این مسأله را در بیانیه و فتاوی متعددی آورده‌اند. ولی غالب علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی، استفاده درمانی و پژوهشی از شبیه‌سازی و فرآیند دستکاری ژنتیکی را بلاشکال دانسته‌اند.^۱

اکثر فقهای اهل سنت با استناد به دلایل متعدد و در رأس آن دلایل کلامی از قبیل دخالت در کار خدا، افساد در زمین و در حکم محارب بودن، تغییر سنت تنوع و خلق و ایجاد خلل در باور مسلمانان، حرمت همانندسازی را نتیجه گرفته‌اند و از طریق صدور فتوا و قطعنامه و بیانیه، عکس العمل نشان داده‌اند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مجمع تحقیقات اسلامی^۲ وابسته به دانشگاه الازهر و یکی از بالاترین مراجع دینی اهل سنت طی بیانیه‌ای فتوا به حرمت این کار داد و از دولت‌های جهان خواست تا مانع هرگونه شبیه‌سازی انسانی شوند.^۳ شورای اروپایی افتاء و تحقیقات^۴ این کار را حرام شمرده است.^۵ مجمع فقه اسلامی^۶ در بیانیه نهایی خود پس از مقدمه‌ای درباره جایگاه انسان در هستی و موافقت اسلام با طلب علم و دانش و با عنایت به بحث‌های مطرح شده در شورای مجمع، تحریم شبیه‌سازی انسانی به کمک دو شیوه یاد شده (شبیه‌سازی جنین با استفاده از سلول تخم و شبیه‌سازی غیرجنسی) یا به هر شیوه دیگری که به افزایش انسانی بینجامد را مقرر می‌دارد.

^۱. محقق داماد، سیدمصطفی، شبیه‌سازی از منظر فقه و اخلاق، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره اول، ۱۳۸۶، ص ۱۸.

^۲. مجمع البحوث الاسلامیه.

^۳. [http://www.gulf Park.com\(2002/10/16\)](http://www.gulf Park.com(2002/10/16)).

^۴. المجلس الأوروبي للافتاء و البحوث.

^۵. [http://www.ecfr.org\(2004/10/22\)](http://www.ecfr.org(2004/10/22)).

^۶. مجمع الفقه الاسلامی.

از مجموع دلایل کلامی و براهین ارایه شده و فتاوی صادره از سوی علمای سنی در تحریم و رد شبیه‌سازی چنین تصور می‌شود که از دید عالمان این مذهب حرمت موضوع به قدری واضح است که باب نقد و اندیشه بر پیروان آنها در این وادی بسته شده است. خاطرنشان می‌شود علی‌رغم مخالفت اکثریت عالمان سنی با شبیه‌سازی انسان، بعضی از اهل سنت در برخی موارد استثنایی مانند درمان اختلالات ژنتیکی، مشروط بر حصول اطمینان از عدم زیان آور بودن این تکنولوژی، آن را مجاز شمرده‌اند.^۱

برخلاف اهل تسنن، اکثر فقهای شیعه عمل همانندسازی مولد را ذاتاً جایز می‌دانند به گونه‌ای که اصل جواز در میان فقهای شیعه مورد اتفاق است، اما به دلیل تبعات و اثرات منفی آن مانند از بین رفتن هویت خانوادگی، نامعلوم بودن نسب کلون‌ها و نگرانی از پیامدهای اخلاقی و مفاسد اجتماعی حکم به حرمت آن شده است. در بررسی نظرات علما و فتاوی فقهای شیعی در خصوص همانندسازی انسان به نظرات متفاوت و گاه متضادی برمی‌خوریم، بدین معنی که عده‌ای مبادرت به این تکنولوژی را کاملاً مجاز شمرده‌اند اما برخی دیگر، کاربرد این فناوری را حرام دانسته‌اند.

وزنه غالب و نظر اکثر فقها متوجه ممنوعیت همانندسازی انسان است. به بیان دیگر گرچه با استناد به اصل برائت، در بدو امر بسیاری از اندیشمندان اسلامی حکم به اباحه ظاهری و ذاتی آن داده‌اند و موافقین تجویز شبیه‌سازی در این میان به برخی کاربردها و کارکردهای این تکنولوژی نیز اشاره می‌کنند، اما در نهایت، جمع کثیری از فقهای مسلمان علی‌رغم اباحه اولیه و ذاتی قائل به حرمت ثانوی آن هستند. اینان به استناد

^۱. قربانی منبع پیشین، ص ۱۷۳.

پیامدهای سوء و مفساد بالقوه و بالفعل تجویز این فرآیند از قبیل اختلاط نسب و قرابت-ها، تزلزل در نظام خانواده، اختلال در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همچنین به دلیل لزوم حفظ جان انسان‌ها و صیانت از کرامت آدمی و به اعتبار قاعده لاضرر، لزوم ممنوعیت این فرآیند را حداقل تا روشن شدن تمام جوانب موضوع و برطرف گردیدن خطرات موجود و حصول اطمینان کافی در این زمینه، ضروری می‌دانند.

در اینجا خاطرنشان می‌شود که باید بین همانندسازی مولد انسان و غیرمولد تفاوت قایل شد و بحث حرمت ثانوی و تحریم شبیه‌سازی مربوط به نوع مولد انسان می‌باشد و همانندسازی نوع غیرمولد و تحقیقات مربوط به این تکنولوژی، با توجه به کاربردهای متعدد و متنوع و فواید کثیرش، با عنایت به مبانی فقهی و دینی و اخلاق اسلامی قابل تجویز می‌باشد، لیکن برای جلوگیری از انحراف آن و تعیین محدوده‌های مجاز لازم است بپیش‌بینی مقررات و آیین‌نامه‌های لازم، ضابطه‌مند و قابل کنترل گردد.

در پایان این بحث باید بدین نکته اشاره کرد که مسأله تغییرات ژنتیکی فقط مربوط به کشورهای اسلامی نیست بلکه همه جهانیان با آن درگیر هستند. با وجود این، علوم و معارف تجربی بشری، هم از جهت موضوع و هم از جهت دامنه آن، مسأله دستکاری ژنتیکی را یک پدیده جدید پزشکی معرفی می‌کند که بر پهنه جغرافیایی و دامنه علمی این رشته در تمامی کشورها سایه خواهد افکند. این در حالی است که پدیده دستکاری ژنتیکی، مسأله‌ای است که خواه ناخواه ضرورت دارد جهت‌گیری دینی آن روشن شود و نظرات فقهی و کارشناسانه دینی در خصوص آن، تبیین شود. طبعاً چنین نظر فقهی لازم الاجرائی، از یک سو تکلیف متخصصان و محققان علوم پزشکی در کشورهای اسلامی را

همکاری‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع تغییرات ژنتیکی، از جمله نحوه فعالیت و الحاق به طرح پیشنهادی تدوین کنوانسیون منع شبیه‌سازی مولد انسان و سایر اسناد بین‌المللی مربوطه روشن می‌کند. علاوه بر آن، چنانچه بتوان جوانب علمی و فقهی مسأله دستکاری ژنتیکی را تبیین کرد؛ به گونه‌ای که ابعاد فقهی آن در یک مجموعه گسترده‌تر و در همکاری بین‌المللی با سایر کشورهای اسلامی نیز به بحث و بررسی گذاشته شود، می‌توان ابتکار ارائه طرحی پیشنهادی در مورد تدوین یک کنوانسیون اسلامی بین‌المللی (مثلاً در چهارچوب سازمان کنفرانس اسلامی) را نیز به دست گرفت.^۱

نتیجه‌گیری

ورود ژنتیک به زندگی بشر موجب شکل‌گیری تغییرات بسیاری در حیات بشر امروز شده، به گونه‌ای که به تعبیری دانش ژنتیک آینده هزاره سوم است. لذا نهادهای حقوقی بین‌المللی چه در سطح جهانی و چه منطقه‌ای ناگزیرند که نسبت به فناوری تغییرات ژنتیکی و ایجاد تغییرات و نوآوری‌هایی در قوانین و مقررات مرتبط با آنها، واکنش نشان دهند. به عبارت دیگر سازمانهای حقوقی بین‌المللی خود را در برابر، تحولات تازه در بیوتکنولوژی دیدند، مسائلی از قبیل دستکاری ژنتیکی که نشان از ورود تکنولوژی زیستی به جامعه و در نتیجه لزوم موضع‌گیری نظام‌های حقوقی در برابر آن است. سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن مانند سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد در موضوعات مرتبط با فناوری ژنتیک به ویژه شبیه‌سازی انسان اقدامات موثری را انجام داده‌اند. به طور نمونه می‌توان به اعلامیه ملل متحد در مورد شبیه‌سازی انسان اشاره کرد، از طرفی مدیر کل یونسکو در بیانیه‌ای شبیه‌سازی و هرگونه تغییرات در ساختار طبیعی ژنوم

^۱ کاهانی، علیرضا، شبیه‌سازی انسان، تاریخچه دیدگاه ادیان: آیا دستکاری ژنتیکی جایز است، هفته نامه سپید

(پزشکی و جامعه)، شماره ۱۸۲، ۲۶ آذر ۱۳۸۸، ص ۴.

انسانی را، یک عمل جنایی می‌داند. در کنار فعالیت این سازمانها، در موضوع ایمنی زیستی و رعایت همه جانبه سلامت انسان و بهداشت غذایی ناشی از فعالیتهای بیولوژیکی و اصلاح ژنتیکی گیاهان و تولید مواد غذایی ناشی از محصولات تراریخته، سازمان بهداشت جهانی و سازمان خواروبار جهانی اقدامات موثری را انجام داده اند. به طور نمونه می‌توان به معاهده بین المللی منابع ژنتیک غذا و کشاورزی زیر نظر سازمان خواروبار جهانی و به قطعنامه‌ها و اصول راهنمایی که در موضوعات ایمنی زیستی و بهبود سلامت عمومی ناشی از دستکاری ژنتیکی در سازمان بهداشت جهانی تدوین شده اند، اشاره کرد.

اما نکته حائز اهمیت آن است که در موضوع تغییرات ژنتیکی و نظام حقوقی حاکم بر آن تنها سازمانهای بین‌المللی جهانی فعالیت نداشته اند، بلکه بسیاری از سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای که تا حدودی به موضوعات حقوق بشری می‌پردازند، نیز به این مسئله توجه بسزایی داشته اند. شورای اروپا، اتحادیه اروپا و سازمان بهداشت قاره آمریکا از سازمانهای منطقه‌ای می‌باشند که در موضوعات مهندسی ژنتیک و مسئله شبیه‌سازی انسان در قالب قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های متعددی، فعالیت کرده‌اند. کمیته راهبردی اخلاق زیستی در شورای اروپا تاکنون توصیه‌نامه و قطعنامه‌های مهمی در موضوع شبیه‌سازی و هرگونه فعالیت بر روی جنین انسانی، صادر کرده است. در کنار فعالیت شورای اروپا، پارلمان اتحادیه اروپا نیز با صدور قطعنامه‌هایی در موضوع شبیه‌سازی انسان و شورای اتحادیه اروپا با صدور دستور العمل راجع به حمایت قانونی از اختراعات بیوتکنولوژیک، در این موضوع عملکردهایی داشته اند.

با این وصف و با توجه به تاثیرات شگرف ژنتیک و نیز هراس از پیامدهای منفی این

لحاظ قیودی این دانش را پذیرا شده اند. در این میان و با توجه به اینکه نظر گروه دوم مقبول‌تر و منطقی‌تر است و از سویی هیچگاه نمی‌توان مانع علوم گردید، چرا که آنها خواسته یا ناخواسته راه خود را ادامه می‌دهند، بهتر آن است که با وضع قواعد و قوانین آن را مقید نمود. در این خصوص برخی کشورها از جمله آمریکا، انگلیس، مجموعه کشورهای اسلامی، استرالیا و ژاپن اقدام به وضع قوانینی نموده اند که می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر کشورها در این مورد باشد.

با توجه به اهمیت کاربرد زیست فناوری در توسعه پایدار، جمهوری اسلامی ایران نیز در موضوعات مرتبط با ژنوم انسانی و همچنین ایجاد تغییرات ژنتیکی در ژن گیاه و حیوان عملکردهایی داشته است که سزاوار بررسی دقیق از سوی علمای حقوق، اخلاق و مذهب می‌باشد. گسترش تحقیقات مرتبط با فناوری مهندسی ژنتیک و موضوعات مرتبط با شبیه-سازی انسان در ایران، توسعه چشم‌گیری داشته است؛ اما نکته مهم اینجا است که هنوز ایران اسلامی ساختار حقوقی و کیفری مشخصی را در عرصه ملی برای اینگونه فعالیت‌ها که با حقوق اولیه بشری ارتباط تنگاتنگی دارند، تدوین نکرده است. در بررسی حقوق موضوعه و قوانین موجود کشور، قانون یا مصوبه‌ای که صریحاً به دستکاری ژنتیکی، همانندسازی مولد انسان و یا حتی همانندسازی غیرمولد (تحقیقاتی- درمانی) پرداخته باشد، یافت نمی‌گردد و تنها می‌توان با توجه به نظام مسئولیت کیفری و حقوقی کنونی و با کمک ارکان تحقق مسئولیت، عملکرد افراد و موسسات درگیر و فعال در این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار داد.

ایران در سال ۲۰۰۱ پروتکل کارتاها را امضا و از اوایل سال ۲۰۰۴ رسماً متعهد به

۲۶ | اجرای آن شده است. در این راستا تشکیل شورای ملی ایمنی زیستی توسط دولت ابلاغ

شده است و قانون ملی ایمنی زیستی در کشور به تصویب رسیده است، قانونی که دارای ابهامات و چالش‌های حقوقی و اخلاقی بسیاری می باشد. به تبع فقدان قوانین و مقررات روشن در زمینه ایمنی زیستی، نظارت قانونمندی هم بر واردات مواد غذایی اصلاح شده ژنتیکی در کشور انجام نمی گیرد. بنابراین لازم است هرچه سریعتر برای تحقق این امر مهم چاره اندیشی شود، درغیراین صورت خسارات جبران ناپذیری به مملکت تحمیل خواهد شد.

منابع و مآخذ

- ۱- آساد، محمد تقی. مبانی ژنتیک. دنیا، ۱۳۸۰.
- ۲- جبارپور بنیادی، حسین پور فیضی. ژنتیک انسانی و بیماری های ژنتیکی انسان. هنر و فرهنگ ۱۳۶۶.
- ۳- حق جو، مصطفی. بانک اطلاعات علمی- کاربردی. جلد اول، مفاهیم بنیادین، ویرایش سوم. دانشگاه علم و صنعت ایران. ۱۳۸۵
- ۴- حق جو، مصطفی؛ صفائی، علی اصغر. بانک اطلاعات علمی- کاربردی. جلد دوم، مفاهیم پیشرفته، ویرایش سوم. دانشگاه علم و صنعت ایران. ۱۳۸۵
- ۵- داورپناه، احمد؛ مهدی قلی خان رامین. مدیریت مدارک پزشکی، معاونت پژوهشی وزارت بهداشت، ۱۳۷۲
- ۶- شریفی بیدگلی، مینا و دیگران. "یک سامانه ذخیره سازی گرافی برای ذخیره داده- های همه گیری شبکه ای". نوزدهمین کنفرانس ملی سالانه انجمن کامپیوتر ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۲